Archive of SID

فصلنامهٔ مطالعات حقوق عمومی، دورهٔ ۵۰، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۹۹: ۱-۲۱
DOI: 10.22059/jplsq.2019.130784.1096

مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارامدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عباسعلی کدخدایی[۱]، محبوبه عباسیان[۲]*

چکیده

نظریات توفیق، عدالت‌جویی و رضایت در حوزهٔ کارامدی، مهم‌ترین و شایان توجه‌ترین نظریات علمی در راستای تعیین نسبت فیمابین دو اصطلاح «عدالت اقتصادی» و «کارامدی» هستند. رابطهٔ عدالت اقتصادی و کارامدی نظام در مطالعات مربوط به مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از میان سه رویکرد بی‌طرفی، تقابل و هماهنگی اغلب بر مبنای رویکرد هماهنگی قابل توصیف است. اما با وجود هماهنگی موجود بین عدالت اقتصادی و کارامدی در مطالعات نظری، به لحاظ انحرافات اجرایی موجود در تحقق عدالت در مقام عمل، ارتقای کارامدی نظام نیز از این رهگذر با چالش‌های جدی مواجه است. به‌علاوه به موجب قانون اساسی و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی آن قانون، عدالت اقتصادی با عناصر مقوم کارامدی اقتصاد مانند «کارایی» هماهنگ و همراستا لحاظ شده‌اند که می‌توانند در کنار یکدیگر پایداری یک نظام سیاسی را رقم بزنند. با وجود این به لحاظ مطالعات اقتصادی در حوزهٔ قوانین عادی مانند قوانین مالیاتی، تقابل و تضاد میان عدالت اقتصادی و عناصر زیرمجموعهٔ کارامدی اقتصادی ملاحظه می‌شود؛ بنابراین ضرورت دارد با توجه به هماهنگی موجود فیمابین عدالت اقتصادی و کارامدی اقتصادی در اسناد فرادستی، در سطوح نازل‌تر قانونگذاری و اجرایی نیز بیشترین کوشش در راستای ایجاد تعادل بین مؤلفه‌های بعضا در تضاد بایکدیگر، صورت پذیرد.

کلیدواژگان

عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، قانون اساسی، کارامدی نظام، کارایی.

---

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: kadkhoda@ut.ac.ir
۲. دانش‌آموختهٔ دکتری حقوق عمومی دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران (نویسندهٔ مسئول).
Email: mahboobeh.abbasian1@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۰۹

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

عدالت در ادبیات اقتصادی به معنای مراعات حقوق اقتصادی در حوزهٔ رفتارها و روابط اقتصادی است (حاتمی و رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

در زمینهٔ کارامدی نظام نیز اندیشمندان این حوزه رویکردهای گوناگونی را ارائه کرده‌اند که تحت عناوین ذیل قابل تلخیص‌اند:

- نظریهٔ توفیق که براساس آن هر نهاد یا سازمانی برای بررسی کارامدی خود «توفیقات نهایی» آن را ارزیابی کند. منظور از توفیقات نهایی، رسیدن به «اهداف» است (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۸۵).

- نظریهٔ نظام‌وار که طبق این نظریه برخلاف نظریهٔ «توفیق»، کارامدی مبتنی‌بر قدرت تهیهٔ ورودی، چگونگی سازماندهی خروجی و حفظ استقرار در تعادل نظام است (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۸۵).

- نظریهٔ رضایت که بر این اساس یک حکومت را در صورتی می‌توان کارامد دانست که عناصر مؤثر در بقای خود رابه‌خوبی راضی کند (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۸۵).

- نظریهٔ نسبیت که براساس این نظریه مبنای واحد و اصیلی برای مفهوم و میزان کارامدی وجود ندارد و بسیاری از ارزیابی‌ها در میزان کارامدی، بیان دیدگاه «ارزیاب» است. ازاین‌رو کارامدی یک مسئله «ارزشی» است که محاسبهٔ آن چندان آسان نیست (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۸۵).

- نظریهٔ انجام تکلیف

– نظریهٔ میزان اثرگذاری در روند امور

- نظریهٔ عدالت‌جویی

– نظریهٔ ذاتی‌عملی که مطابق این نظریه در واقع هر عاملی که افعال درست‌تر (معقول‌تر) از او صادر شود، کارامدتر است.[۱]

کارامدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی ادارهٔ هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایستهٔ آن است و ایفای بهینهٔ کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایت‌مندی مردم را در پی دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۴).

همراستا با مطالعهٔ عدالت اقتصادی، کارایی اقتصادی نیز که به تحقق کارامدی نظام منجر می‌شود و زمینه‌های تأمین عدالت اقتصادی را فراهم می‌آورد و به رشد و توسعهٔ اقتصادی می‌انجامد نیز در چارچوب موضوع مطروحه بررسی می‌شود.

منظور از کارایی میزان ارتباط بین ورودی‌ها و خروجی‌های سازمان است، به‌طوری‌که از

---

۱. فرج‌الله قاسمی، "کارامدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام‌خمینی"، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، شماره ۲۲ http:// www.farsnews.com

www.SID.ir

Archive of SID

حداقل ورودی حداکثر خروجی به‌دست آید (ورنون، ۱۳۸۸: ۱۲۳). شایان ذکر است برای برقراری عدالت اقتصادی لازم است رفع نیازهای اساسی مردم و تحقق سطحی از رفاه و در عین حال کارایی اقتصادی مدنظر قرار گیرد (Ovehanson , 2004: 362;, DION, 2007:329)

همچنین شاید بتوان گفت اقتصادی که نتواند به رشد معقولی دست یابد، از برآوردن دیگر ملاک‌های تفوق اقتصادی، همچون امنیت، ثبات، توزیع منصفانه، اشتغال کامل، افزایش رفاه اجتماعی و ... نیز ناتوان است (رنانی، ۱۳۸۹: ۶۲).

سؤال اصلی پژوهش حاضر بدین شرح قابل طرح است که در مبانی نظری موجد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عدالت اقتصادی و کارامدی نظام از میان سه نسبت بی‌طرفی، تقابل و هماهنگی چه موضعی نسبت به یکدیگر اتخاذ می‌کنند؟ ازاین‌رو فرضیهٔ اصلی مقاله نیز بدین‌ترتیب قابل تلخیص است که در مبانی نظری موجد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عدالت اقتصادی و کارامدی نظام نسبت هماهنگ و فعال نسبت به یکدیگر (و قابل تطبیق بر نظریات ارائه‌شده در حوزهٔ کارامدی) اتخاذ می‌کنند.

بحث حاضر به شیوهٔ کتابخانه‌ای و روش اکتشافی و تا حدودی توصیفی و با استفاده از ابراز تحلیل محتوا در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین و مقررات اجرایی مرتبط به بررسی و تحلیل موضوع مطروحه می‌پردازد.

عدالت اقتصادی در پرتو کارامدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در راستای تشریح موضوع مطروحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، اصل ۲ قانون اساسی یکی از پایه‌های نظام اسلامی را نفی هر گونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌پذیری و تحقق قسط و عدل دانسته است. مطابق با مشروح مذاکرات این اصل "یک پایهٔ دیگر که پایه‌ای اقتصادی و اجتماعی است «قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و نفی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی» می‌باشد یعنی در نظام اسلامی قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی در تمام شئون برقرار است و ما می‌خواهیم این نظام را بیاوریم برای اینکه قسط و عدل در سراسر جامعه حکمفرما شود و انسان‌ها زیر بار ستمگری و ستمکشی نروند. «لا تظلمون و لا تظلمون»"(صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۰۸).

دولت جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی موظف است به‌منظور نیل به هدف رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی همهٔ امکانات خود را به‌کار برد. همچنین به موجب بند ۱۲ این اصل دولت باید پی‌ریزی

www.SID.ir

Archive of SID

اقتصادی صحیح و **عادلانه** بر طبق ضوابط اسلامی به‌منظور ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه را در سرلوحهٔ اعمال خود قرار دهد. رسیدن به خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها نیز در بند ۱۳ اصل مذکور از جمله تکالیف دولت احصا شده است. بدین‌ترتیب این اصل قانون اساسی به‌خوبی روشن می‌سازد که هدف دولت رفع فقر و پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه است و همزمان دولت باید به‌دنبال تأمین خودکفایی و ایجاد رفاه که از مسیر کارامدی اقتصادی محقق می‌شوند، باشد.

بررسی اصل ۴۳ قانون اساسی نیز که ضوابط اقتصادی حاکم بر راهبردهای کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را رقم می‌زند، بیانگر درهم‌تنیدگی عدالت اقتصادی و کارامدی در قانون اساسی است. در اصل مذکور بر تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و نیز تأمین نیازهای اساسی انسان مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه تأکید و تصریح شده است. در این زمینه خبرگان قانون اساسی نیز اذعان دارند که: «نیاز جامعه به مسکن یک نیاز طبیعی است که دولت باید رفع کند، یا به‌عنوان واگذاری و به‌عنوان ملک یا به‌عنوان اسکان که این یک حق طبیعی است و دولت موظف است برای آرام کردن مردم در نظام اجتماعی خودش این حق را به مردم بدهد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۸۴). ازاین‌رو تأمین نیازهای طبیعی مانند مسکن در جامعه راهکاری به‌منظور آرام‌سازی مردم در نظام اجتماعی تلقی می‌شود که به رفع بحران‌های کارامدی می‌انجامد. این مسئله می‌تواند افزایش رضایت مردم و دستیابی نظام به اهداف خود را در چارچوب نظریات رضایت و توفیق تسهیل کند و اجرای عدالت را در جامعه به ارمغان آورد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، خبرگان قانون اساسی در بدو تدوین این قانون نیز زمینه‌های منجر به کارامدسازی اقتصاد و تأمین عدالت اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند:

«ما موظفیم قانون اساسی را طوری تنظیم کنیم که اولاً با کلیهٔ موازین شرعی منطبق باشد، ثانیاً رافع نیازهای جامعه هم باشد و موجب رشد همه‌جانبهٔ اقتصاد بشود و به‌عبارت کلی یک اصل یا اصول مترقی از برای پیشرفت ملت بوده باشد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۴۵۶). این امکان وجود دارد که در برخی مکاتب اقتصادی یا نظام‌های حکومتی عدالت به‌عنوان مبنایی جهت تدوین سیاست‌ها تلقی نشود، اما در نظام ایران قسط و عدل اجتماعی به‌عنوان مبنایی در کنار مبانی دیگر لحاظ شده است؛ چنانکه خبرگان قانون اساسی نیز در این زمینه مقرر داشته‌اند:

«مکتب به قسط و عدل اجتماعی به‌عنوان یک پایهٔ مهم نگاه می‌کند یعنی به‌عنوان مبنایی در کنار مبانی دیگر نگاه می‌کند و یک وقت است این مقدار را اهمیت و بها نمی‌دهد در اینجا

www.SID.ir

Archive of SID

خواسته‌ایم در نظام جمهوری اسلامی این بعد به‌عنوان یک مبنا برای نظم نظام‌های گوناگون داده شود» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۱۲). ازاین‌رو عدالت در کنار اهدافی مانند کارامدی اقتصادی، برقراری امنیت و ... لحاظ خواهد شد و این امر ناشی از رویکرد مکتبی نظام است.

در ادبیات معاصر مانند ادبیات «اقتصاددانان اسلامی» به‌صورت بسیار گسترده‌ای آشکار شده است که ادعایی که مکرراً صورت گرفته، این است که نظام اقتصاد اسلامی به درجهٔ بالاتری از عدالت اقتصادی نسبت به سیستم‌های کاپیتالیست یا سوسیالیست دست می‌یابد (Kuran, 1989: 171).

باید توجه داشت که رابطهٔ بین عدالت با امنیت و استقلال اقتصادی، رابطه‌ای مثبت و مستقیم است؛ یعنی تحکیم و تقویت عدالت موجب افزایش ضریب امنیت فردی و رفاه اجتماعی و در نتیجه تحقق استقلال است (سرآبادانی، ۱۳۸۶: ۸۳). در واقع عدالت برای یک اقتصاد با سازماندهی خوب اساسی است (clark, 2006: 3).

در جامعه‌ای فقیر و عقب‌مانده بروز اغتشاشات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... امری اجتناب‌ناپذیر است و ضریب رشد ناهنجاری‌های اجتماعی دیر یا زود دولت را به مداخله در تأمین نیازهای اساسی مردم ناگزیر خواهد ساخت.

یکی از بحران‌هایی که کشورها در مسیر توسعه‌یابی باید با موفقیت آن را پشت سر بگذارند، ناشی از توزیع ناعادلانهٔ منابع اقتصادی، فیزیکی، انسانی و ... است. در جامعه‌ای که سرشار از تنوع طبقاتی و شکاف‌های مختلف است، اگر نظامی خدمات خود را عادلانه بین همهٔ مردم توزیع نکند، به بحران توزیع دچار خواهد شد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۷۶). همچنین برای پایداری نظام‌های اقتصادی در کنار حکومت مردم‌سالار به چارچوب توزیع عادلانه نیز نیاز است (دادگر و رحمانی، ۱۳۹۱: ۳۹). در این زمینه مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «همین‌طور ما امروز می‌خواهیم یک تعدیل ثروتی بین مردم بشود یعنی برای ثروتمندان یک محدودیت‌هایی به نفع مستضعفان ایجاد شود» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۸۹). از فراز یادشده به‌خصوص عبارت «تعدیل ثروت» عدالت توزیعی قابل برداشت است.

چنانکه می‌دانیم توزیع ناعادلانهٔ درآمد عامل کمبود مصرف است که به ایجاد بحران اقتصادی منتهی می‌شود (نمازی، ۱۳۹۰: ۱۷۴). مشروح مذاکرات اصل ۴۳ قانون اساسی نیز به این نکته اشاره کرده است که: «در اینجا سه ضابطه سبب شده است که این بندهای پایین تنظیم شود یکی استقلال اقتصادی است و یکی ریشه‌کن کردن فقر است، سوم برآوردن نیازهای انسان است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۴۴۹). سه ضابطهٔ مذکور بیانگر لزوم تحقق حداقل‌های اقتصادی است که عدالت اقتصادی و کارامدی نظام را در کنار یکدیگر تأمین می‌کنند.

www.SID.ir

Archive of SID

براساس مشروح مذاکرات قانون اساسی «اگر قانون عدل اقتصادی اسلام اجرا بشود، هیچ‌کس در جامعهٔ ما فقیر و تهی‌دست نخواهد بود. همه استقلال پیدا می‌کنند و همه درحال رفاه می‌باشند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۵۰۳). فقر، سازمان‌های ضعیف و حکومت فقیر به مشکلات تروریزم، بیماری، داروها، مهاجرت، بی‌ثباتی و درگیری منتهی می‌شود (Mawdsley, 2007: 491).

دولت‌ها به دو دلیل در اقتصاد مداخله می‌کنند: افزایش کارایی و بهبود عدالت (منکیو، ۱۳۸۸: ۶). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات موضوعه در مباحثی مانند تأمین اجتماعی، عدالت توزیعی و... امکان چنین مداخلاتی به دولت اعطا شده که کارامدی نظام نیز حاصل برقراری مؤلفه‌هایی نظیر عدالت و کارایی است. در واقع می‌توان ادعا کرد مباحث پیشین حاصل این مطلب است که سازگاری روان‌شناختی در میان مردم جامعه «کالای عمومی» محسوب می‌شود که موجب صمیمیت و شادمانی واحساس تعلق و احترام متقابل میان مردم جامعه می‌شود. این کالای عمومی با ایجاد سلامت روحی و گسترش حس همکاری، بسیاری از هزینه‌های اجتماعی را می‌کاهد و بر کارایی کل جامعه می‌افزاید. در جامعهٔ بسیار نابرابر، تنها مقدار اندکی از این کالای عمومی، تولید می‌شود (رنانی، ۱۳۸۹: ۶۱). بنابراین چنانکه ادعا شده، جامعهٔ مدنی و عدالت اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند (Hodgespersell, 1997:150).

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در رمورد تنظیم نسبت عدالت و مؤلفه‌های کارامدی اقتصادی که در قانون اساسی درکنار یکدیگر و همراستا لحاظ شده‌اند، اذعان می‌دارد:

«در واقع اقدامات مالی دولت باید چنان تنظیم شود که اقتصاد ملی در نقطهٔ مناسب‌تری از حیث کارایی و عدالت به تعادل برسد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸: جلسهٔ ۱۷۷).

درحقیقت، وجود سیستم عدالت سالم که تحت یک فرایند با احترام به خود عمل می‌کند، کارایی را افزایش می‌دهد (Lorizio & Gurrieri, 2014: 107). قاعدهٔ اقتصادی قابل ارائه به‌منظور حصول هماهنگی مذکور در سطوح اجرایی در این چارچوب تلخیص می‌شود که یک اصل بالقوه پارتو (یا کارایی کلدور-هیکس) اجازه می‌دهد تغییرات ایجاد شود، چراکه پس از ارتقای کارایی، لازم است برندگان قادر باشند نسبت به بازندگان جبران کنند (Michelbach, 2011: 26).

عدالت اقتصادی در پرتو کارامدی در قوانین موضوعهٔ جمهوری اسلامی ایران

قوانین عادی از جمله مبنایی‌ترین تفاسیر اجرایی قانون اساسی پس از مشروح مذاکرات قوهٔ مؤسس محسوب می‌شوند، چراکه اصول متعدد قانون اساسی نیز تفصیل آن اصل را به قانون

www.SID.ir

Archive of SID

عادی مصوب مجلس شورای اسلامی محول کرده‌اند. مطالعهٔ مبانی نظری عدالت اقتصادی و کارامدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ما را با دو دسته از مؤلفه‌ها مواجه می‌سازد: مؤلفه‌های عدالت اقتصادی و مؤلفه‌های عدالت اجتماعی.

عدالت در مفهوم اجتماعی به معنای سهیم شدن در منافع اجتماعی است و بر مبنای عادلانه‌ای وضع می‌شود (Bagheri, 2014: 117)، درحالی‌که مؤلفه‌های عدالت اقتصادی به آنچه فرد دریافت می‌دارد، معطوف است. مؤلفه‌های عدالت اجتماعی در صورت محقق شدن عدالت اقتصادی را نیز با خود به ارمغان خواهند آورد؛ عدالت اجتماعی در اولین نگاه مشتمل بر منابعی چون فرصت‌های آموزشی، مشاغل، تأمین اجتماعی و ... است که از بعد امکان دسترسی در بیشتر موارد محل توجه هستند. مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی که برقراری عدالت اقتصادی را محقق می‌سازند، به‌منزلهٔ راه‌های برقراری عدالت اقتصادی تأمین‌کنندهٔ کارامدی نظام هستند؛ این مؤلفه‌ها به‌صورت همزمان با عوامل تضمین‌کننده کارامدی اقتصادی نیز وارد واکنش می‌شوند و نتایج کارکردی ایجاد می‌کنند و در برخی مواقع حدود و ثغور برقراری عدالت تحت تأثیر لوازم برقرارکنندهٔ کارامدی اقتصادی قرار گرفته است.

۱. عدالت توزیعی در پرتو کارامدی

از جمله مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی است که اصل کامل عدالت توزیعی می‌گوید توزیعی عادلانه است که هر کس مستحق سهمی که به موجب توزیع دارا می‌شود، باشد (Konow, 2001: 138). در جامعهٔ امروزی، فهم ویژه‌ای از عدالت توزیعی توسعه یافته که متضمن این است که عدالت اجتماعی باید به‌وسیلهٔ قوهٔ قهریهٔ حکومت توزیع شود (Reber, 2010: 1).

توزیع مجدد درآمد و اعمال سیاست‌های بازتوزیعی صرف‌نظر از عدالت اقتصادی، می‌توانند کارایی و بهره‌وری را نیز ارتقا دهند؛ چنانکه آدام اسمیت و پیگوولیبشتاین از جمله اقتصاددانانی هستند که معتقدند که با توزیع مجدد درآمد، بازدهی تولید در اقتصاد بالا می‌رود (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

به‌علاوه باید به این نکته نیز توجه داشت که نابرابری‌ها الزاماً بد درنظر گرفته نمی‌شوند، زیرا انگیزه‌هایی در افراد برای سخت کار کردن ایجاد می‌کنند (Hodgespersell, 1997: 750)، بنابراین در اعمال سیاست‌های بازتوزیعی صرفاً رسیدن به برابری محض مدنظر قرار نخواهد گرفت.

مادهٔ ۱۸۰ قانون برنامهٔ پنج‌سالهٔ پنجم توسعه مقرر می‌دارد: «در راستای تحقق اصل چهل‌وهشتم ۴۸ قانون اساسی، سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز تبعیض و ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق **پیشرفت** و **عدالت**، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانهٔ سود تسهیلات به‌نحوه‌ای عمل نماید که فاصلهٔ شاخص برخورداری شهرستان‌های با کمتر از سطح متوسط کشور در پایان برنامهٔ چهارم در بخش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و امنیتی در هر سال برنامه حداقل ده درصد (۱۰٪) به سطح

www.SID.ir

Archive of SID

یادشده نزدیک شود». از عمده‌ترین اقدامات دولت به‌منظور برقراری عدالت توزیعی در ایران می‌توان به توزیع سهام عدالت اشاره کرد که مبانی قانونی آن مواد ۹۵ و ۱۳۵ قانون برنامهٔ چهارم توسعه است.

از جمله مهم‌ترین سیاست‌های پرداختی انتقالی می‌توان به یارانه‌ها اشاره کرد که پرداخت‌های انتقالی به‌منظور رفع فقر، برقراری عدالت اقتصادی و نیل به مراتب بالاتر کارامدی مؤثرند. مبتنی‌بر قانون برنامهٔ چهارم توسعه بند ۲ مادهٔ ۹۵، سیاست‌های کلی برنامهٔ پنجم که در چارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله ابلاغ شده است، طرح تحول اقتصادی، قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸ به تصویب قوهٔ مقننه رسید. به موجب مادهٔ ۷ این قانون دولت مجاز است حداکثر تا ۵۰ درصد وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندهایی که از جملهٔ آنها پرداخت نقدی و غیرنقدی یارانهٔ سرپرست خانوار است و همچنین برنامه‌های تأمین اجتماعی، اشتغال، مسکن و توانمندسازی اختصاص دهد. هیأت وزیران در راستای اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و به استناد تبصرهٔ ۲۱ قانون بودجهٔ سال ۱۳۹۱ کل کشور، آیین‌نامهٔ تبصرهٔ یادشده را به تصویب رسانید. بر این اساس دولت منابع حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدماتی را که در قانون هدفمندی یارانه‌ها آمده است، با استفاده از روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی و خدمات بیمه‌ای بین خانوارهای هدف توزیع و با اولویت بخش تولید، آن را اجرا می‌کند. بر مبنای این آیین‌نامه، سرپرستان خانوارهای نیازمند متقاضی صرفاً با قبول شرایط مندرج در فرمی که به‌وسیلهٔ آن و از طریق سامانه ثبت‌نام کرده‌اند، می‌توانند یارانه دریافت کنند و عدم ثبت‌نام در سامانهٔ مذکور به‌منزلهٔ انصراف از دریافت یارانه برای اشخاص متمکن به‌صورت اختیاری و در مرحلهٔ دوم امکان حذف اجباری این افراد از جامعهٔ هدف پرداخت یارانه‌ها ممکن است. انصراف اختیاری افراد متمکن در اولین مرحله و مداخلهٔ دولت در رفع ایرادات کارکردی اجرای طرح مانند مهار تورم گام‌هایی در جهت تثبیت کارامدی نظام محسوب می‌شوند.

پیگو از توزیع مجدد درآمد به‌عنوان ابزاری برای افزایش دادن رفاه کل اقتصادی جامعه یاد می‌کند (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۱۶۸). همچنین مردم اغلب توزیع مجدد توسط دولت را به‌منزلهٔ استفادهٔ قابل پذیرش از قدرت تلقی می‌کنند. در یک دولت رفاه دموکراتیک این تحمیل (اجبار) به‌عنوان تجلی مشروعیت صورت می‌گیرد (williams,1996:188). ازاین‌رو درصورتی‌که یارانه با هدف کاهش فاصلهٔ طبقاتی اعطا شود، می‌تواند به تحقق کارامدی نظام منجر شود و از دیگر سو خود به پذیرش مردمی، نمودار کارامدی نظام است. همچنین اعطای یارانه‌ها با ارتقای رفاه کل جامعه و سطح کارایی در طبقات هدف طرح به تحقق اهداف موردنظر طرح مذکور می‌انجامد و براساس نظریهٔ توفیق، کارامدی نظام را ارتقا می‌دهد.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. عدالت مالیاتی در پرتو کارامدی

عدالت مالیاتی به‌عنوان مؤلفهٔ عدالت اقتصادی قابل شناسایی است و می‌توان ادعا کرد که دولت با وضع مالیات‌ها و تنظیم مخارج، وسیلهٔ انتقال و توزیع مجدد درآمد را امکان‌پذیر می‌سازد (پورمقیم، ۱۷:۱۳۹۱). ازاین‌رو مالیات‌ها قطعاً و مستقیماً توزیع درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پژویان، ۱۳۹۱: ۹۸). صرف‌نظر از امکان اعمال سیاست‌های بازتوزیعی از طریق مالیات‌ها به تحقق نظریات توفیق، رضایت و عدالت‌جویی منجر می‌شود. همچنین مالیات‌ها از طریق اهداف تثبیتی خود می‌توانند امکان محقق شدن نظریهٔ نظام‌وار کارامدی را فراهم سازند.

دولت می‌تواند از برخی مالیات‌ها، به‌ویژه مالیات‌های مستقیم، به‌عنوان ابزاری برای حامی‌پروری و کاهش مخالفت‌های سیاسی استفاده کند، به این نحو که با اعطای معافیت یا چشم‌پوشی از مالیات افراد، از هزینه‌های سیاسی این نوع مالیات‌ها اجتناب ورزد (نادران و امیری، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

مالیات‌ها می‌توانند عدالت اقتصادی را رقم بزنند، در عین اینکه کارایی طبقات پایین جامعه می‌تواند با ابزارهایی مانند مالیات منفی تقویت شود. در خصوص سیاست‌های مالیات‌ستانی امکان تضاد عدالت و کارایی در برخی نقاط مانند سیاست‌های ذیل ملاحظه می‌شود:

- اگرچه مالیات بر کالاهای کم‌کشش از دیدگاه کارایی، زیان کمی همراه دارند، چون اغلب اوقات، کالاهای ضروری، همان کالاهای کم‌کشش هستند، مالیات بر این‌گونه کالاها، با توجه به اینکه افراد کم‌درآمد، بیشتر درآمد خود را صرف خرید آنها می‌کنند، عادلانه نیست (جعفری صمیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

- مالیات نزولی و تناسبی به‌ترتیب اولویت در جهت تحقق هدف کارایی اقتصادی قرار می‌گیرند، اگرچه این دو نوع مالیات از دیدگاه عدالت مالیاتی، به‌هیچ‌وجه عادلانه نیستند.[۱]

- مالیات بر یک کالای معین و مالیات غیرمستقیم، از دیدگاه کارایی، مطلوب نیست، زیرا به زیان یک کالا و به نفع کالای دیگر عمل می‌کند، اما از نظر عدالت بستگی به نوع کالا دارد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

- مالیات‌های مستقیم به‌سبب اینکه متناسب با توان پرداخت مؤدی و وضعیت وی اخذ می‌گردد، عادلانه‌تر از مالیات غیرمستقیم است (موسی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۴).

مواد ۱۳۲ تا ۱۴۶ قانون مالیات‌های مستقیم موارد مشمول معافیت مالیاتی را که می‌توانند به تحقق عدالت اقتصادی و در برخی موارد افزایش کارایی منجر شوند و در نهایت کارامدی نظام را ارتقا دهند، برشمرده است.

اصل ۹۷ متمم قانون اساسی مشروطیت بیان می‌داشت: «در موارد مالیاتی هیچ تفاوت و

---

۱. ر.ک: جعفری صمیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۷.

www.SID.ir

Archive of SID

امتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهد شد». در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل عدالت به‌عنوان اصل حاکم بر نظام مالیات‌ستانی به‌صراحت ذکر نشده است، اما از بند ۹ اصل ۳ و اصل ۲۰ و همچنین اصل ۵ قانون اساسی می‌توان بر این مؤلفه حکم کرد. اصول دیگر حاکم بر نظام مالیات‌ستانی نیز همچون اصل انعطاف‌پذیری، ضمانت اجرایی، اصل کارایی، توانایی پرداخت، شخصی ساختن مالیات، قانونی بودن مالیات و اصل صرفه‌جویی در وصول مالیات‌ها و برقراری مالیات نیز می‌توانند به تحقق اهداف پیش‌گفته بینجامند. عدالت مالیاتی و رعایت آن به تصریح در مادهٔ ۲۵۱ قانون مالیات‌های مستقیم که امکان تجدید رسیدگی را براساس ادعای غیرعادلانه بودن مالیات مستند به مدارک و دلایل فراهم می‌کند، مطرح شده است.

در نهایت در تشخیص سیستم مالیاتی مطلوب، سیستم مالیاتی مطلوب، سیستمی است که ترکیبی از مالیات‌های مختلف را معرفی کند و با کارایی اقتصادی، بار اضافی را به حداقل رساند و عدالت مالیاتی را تا حد ممکن رعایت کند (جعفری صمیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۳. عدالت در مالکیت در پرتو کارامدی

سومین مؤلفهٔ قابل شناسایی برای عدالت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عدالت در مالکیت است. مالکیت عمومی و دولتی مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی می‌توانند از طریق ابزارهای بازتوزیعی و توزیعی به برقراری عدالت اقتصادی و تأمین رشد و کارایی و درنهایت کارامدی یاری رسانند.

از ابزارهای تعادل اقتصاد توزیع حقوق مالکیت پول و سرمایه است (gorga, 2009: 53). می‌توان نشان داد که هرچه دولت وظیفهٔ تعریف و تضمین حقوق مالکیت را کامل‌تر انجام دهد- و بنابراین هزینهٔ مبادله را کاهش دهد- برآوردن همزمان ملاک کارایی و ملاک عدالت، امکان‌پذیرتر می‌شود (رنانی، ۱۳۸۹: ۲۹۷). لذا اصول ۴۷ و ۴۶ قانون اساسی به‌صراحت به تعریف و تضمین مالکیت پرداخته‌اند. مقام معظم رهبری براساس تجارب اجرایی اصل ۴۴ در سال‌های متمادی به ابلاغ سیاست‌های کلی این اصل پرداخته که این مسئله به تصویب «لایحهٔ قانونی اصلاح موادی از قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» منجر شد.

خصوصی‌سازی مبتنی‌بر سیاست‌های ابلاغی موجبات افزایش کارایی اقتصاد و بسط عدالت اجتماعی را نشانه رفته است و در آن تقویت محیط رقابتی همراه با بهبود محیط کسب‌وکار، افزایش کارایی در بنگاه‌های واگذارشده و افزایش کارامدی دولت در ایفای وظایف اصلی خویش توأمان در کنار انتقال ترجیحی مالکیت سهامی به طبقات مستضعف جامعه و شرکت‌های تعاونی عام همراه با مصرف منابع برای طبقات و مناطق محروم است؛ چیزی که در پرتو آن افزایش ثروت ملی در کنار توزیع مناسب آن محقق می‌گردد (مشروح مذاکرات مجلس شورای

www.SID.ir

Archive of SID

اسلامی، ۱۳۸۶: جلسهٔ ۳۱۶). قانون اصلاح موادی از برنامهٔ چهارم دو مؤلفهٔ توزیع سهام عدالت و سیاست‌های توسعهٔ بخش تعاون را که سهمی عمده در برقراری عدالت اقتصادی در کشور دارند، مورداشاره قرار داده است. مبانی قانونی توزیع سهام عدالت قانون برنامهٔ چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ است. مطابق مادهٔ ۱۳۵ این قانون جزء دوم برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد جزء امور حاکمیتی تلقی شده است که از وظایف دولت به‌شمار می‌رود.

مادهٔ ۹۵ این قانون نیز دولت را به‌منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصلهٔ دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانهٔ درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارامد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانهٔ پرداختی، مکلف به تهیه و اجرای برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی کرده است. همچنین مطابق بند «ج» این ماده دولت موظف به افزایش قدرت خرید طبقات پایین است. اهداف و تأثیرات کلی اجرای چنین طرحی شامل موارد زیر است: ۱. توزیع متعادل ثروت و درآمد کشور؛ ۲. افزایش ثروت و ایجاد درآمد دائمی برای خانوارهای نیازمند؛ ۳. استفاده از روش‌های سالم‌تر و شفاف‌تر شرکت‌های دولتی؛ ۴. متکی به خود کردن خانوارهای نیازمند و کاهش تعهدات مستقیم دولت و نهادهای حمایتی؛ ۵. گسترش سهم کاراتر بنگاه‌های دولتی و کارامد کردن دولت در عرصهٔ وظایف حاکمیتی (معرفی طرح توزیع سهام عدالت، ۱۳۸۵: ۱۵). در بیشتر کشورهایی که روش‌های متداول خصوصی‌سازی برای واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی استفاده می‌شوند، اغلب این تفکر میان مردم ایجاد می‌شود که ثروت جامعه به عدهٔ کمی از افراد ذی‌نفوذ و ثروتمند واگذار می‌گردد. در این شرایط اجرای برنامهٔ توزیع کوپن سهام می‌تواند پوشش سیاسی مناسبی برای پیش بردن اصلاحات لازم در بخش شرکت‌های دولتی باشد (کابلی‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶). به‌منظور اثربخشی هرچه بیشتر طرح خرید و فروش سهام عدالت در خارج از چارچوب تعاونی‌های استانی، تا تأدیهٔ ۲۰ درصد از قیمت سهام (تقریباً تا ۴ سال) ممنوع است و علت آن ایجاد مانع برای فروش سهام عدالت و عدم برخورداری فقرا از درآمد آن اعلام شده بود (حقیقی، بی‌تا: ۱۵۵). به موجب اساسنامهٔ شرکت کارگزاری سهام عدالت هدف این شرکت گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و خدماتی در بین اقشار کم‌درآمد، کاهش خطرهای ناشی از تمرکز مالکیت دولت، تجهیز سرمایه‌های کوچک و تشویق مردم به سرمایه‌گذاری و بهبود توزیع ثروت و درآمد است.

۳. ۱. تعاون

از جمله نقش‌های اجتماعی تعاونی‌ها جلوگیری از افزایش شکاف‌های عمیق و اختلاف شدید بین اقشار مختلف جامعه (فقیر و غنی) به‌عبارتی ایجاد عدالت اجتماعی نسبی و توزیع بهتر و مناسب‌تر ثروت در جامعه است (نظام شهیدی و علیزاده اقدم، ۱۳۷۸: ۹۵). در اصول ۴۴ و ۴۳

www.SID.ir

Archive of SID

قانون اساسی بر این مهم از طریق ایجاد بخش تعاون در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است. مادهٔ ۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف بخش تعاونی را شامل موارد زیر برشمرده است: «۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل؛ ۲- قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛ ۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی؛ ۴- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت؛ ۵- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود؛ ۶-پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به‌غیر؛ ۷- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همهٔ مردم».

تعاونی‌ها با ایجاد اشتغال، تأمین نیازهای اساسی، کاهش مصرف از طریق جذب سرمایه‌های کوچک و سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و عرضه، حذف واسطه‌های غیرضروری در فرایند تولید و تربیت نیروی انسانی مفید رشد اقتصادی را تسریع، عدالت را برقرار می‌کنند و میزان رضایت عمومی را از حکومت افزایش می‌دهند.

استقرار اقتصاد تعاونی بسیاری از بحران‌های اقتصادی ناشی از نظام سرمایه‌داری را از بین برده هنگام بروز بحران‌ها حتی‌المقدور از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند (زارع و گنجی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

اصول حاکم بر تعاونی‌ها از جمله اصول زیر به تحقق عدالت اقتصادی می‌انجامد:

۱. اصل پرداخت سود محدود به سهام افراد، که سبب می‌شود همهٔ سود به سرمایه تعلق نگیرد؛

۲. اصل پرداخت و توزیع مازاد برگشتی، تا اعضای با سرمایهٔ کمتر نیز از سود فعالیت تعاونی بهره‌ای ببرند؛

۳. اصل ادغام کار و سرمایه و تولید و مصرف یا به‌عبارت دیگر حذف فاصلهٔ بین کار، سرمایه، تولید و مصرف که موجب بهره‌مندی همهٔ اعضا از ثمرهٔ فعالیت‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌های خرید شده و مشارکت بین مردم حتی اقشار کم‌درآمد در پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه می‌شود (سرآبادانی، ۱۳۸۶: ۲۵۳).

بنابراین تعاونی‌ها صرف‌نظر از تحقق عدالت، می‌توانند به افزایش رضایت عمومی و توفیق حکومت در دستیابی به اهداف خود نیز نایل شوند. همچنین از این طریق کارامدی نظام محقق می‌شود، چراکه وقتی حکومت به انجام وظایف حکومتی خود قادر می‌شود و کارکردهای مورد انتظاری از خود بروز می‌دهد، مشروعیت می‌یابد (صنیعی منفرد، ۱۳۸۰: ۲۰).

در قانون اصلاح موادی از برنامهٔ چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در جهت اجرای سیاست خصوصی‌سازی در ایران نقش مهمی برای مشارکت تعاونی‌ها در رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور در کنار تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی مدنظر قانونگذار بوده است؛ چنانکه بر این مهم در مادهٔ ۲۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

۴. عدالت آموزشی در پرتو کارامدی

از جمله مؤلفه‌های عدالت اجتماعی مؤثر در تحقق عدالت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدالت آموزشی است که در اصول ۳ و ۳۰ قانون اساسی تصریح شده است. براساس بند ۱ بند «و» مادهٔ ۱۶ قانون برنامهٔ پنج‌سالهٔ پنجم توسعه، دولت موظف شده است برای ارتقای کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی براساس **عدالت آموزشی** و اولویت‌های سند چشم‌انداز با رعایت سایر احکام این ماده، به‌منظور دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن تا پایان برنامهٔ پنجم اقدام کند.

مهم‌ترین کارکردهای آموزش و پرورش عبارت‌اند از: ۱. اجتماعی شدن و رشد شخصیت؛ ۲. انتقال فرهنگ؛ ۳. همبستگی و انسجام اجتماعی؛ ۴. پرورش نیروی متخصص؛ ۵. ایجاد فرصت اشتغال؛ ۶. نوآوری و تغییر؛ ۷. تحرک اجتماعی و ایجاد پایگاه؛ ۸. آموزش و رشد و توسعهٔ اقتصادی (بالازاده، ۱۳۸۷: ۲۴).

سرمایه‌گذاری در زمینهٔ آموزش به رشد و توسعهٔ اقتصادی منجر می‌شود؛ این مطلب به‌سبب توانمندسازی افراد، ارتقای سطح علمی، فنی و تکنولوژیکی و افزایش خلاقیت‌های علمی به‌وقوع می‌پیوندد. از دیگر سو سرمایه‌گذاری در زمینهٔ سرمایهٔ انسانی با ایجاد زمینه‌های افزایش درآمد و ارتقای طبقاتی در افراد سیاستی مؤثر در جهت فقرزدایی و توزیع عادلانه‌تر درآمدها محسوب می‌شود. ازاین‌رو عدالت اقتصادی می‌تواند حاصل فرایند آموزش تلقی شود و در عین حال در جریان آموزش اعم از ورود، ادامه و خاتمه باید رعایت شود. بنابراین آموزش می‌تواند به‌عنوان ابزار توانمندسازی به افزایش رشد و بهره‌وری بینجامد. میزان دسترسی به آموزش نیز از جمله شاخصه‌های برقراری عدالت آموزشی قلمداد می‌شود. ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای اقشار فقیر در کنار افراد مرفه جامعه، باید از اهداف دولت‌های مختلف باشد، چراکه سیاست‌های بازتوزیعی به‌تنهایی تکافوی رفع فقر را ندارد؛ برای مثال می‌توان با آموزش رایگان یا پرداخت وام‌های دانشجویی از طریق صندوق‌های رفاه دانشجویی به این مهم اقدام کرد.

مادهٔ ۱۹ قانون برنامهٔ پنج‌سالهٔ پنجم توسعه ارتقای کیفی در سه حوزهٔ دانش، مهارت و تربیت اسلامی را به‌صورت همزمان مدنظر قرار داده که این امر می‌تواند اهداف عدالت و کارامدی نظام را به شیوه‌ای متعالی‌تر محقق سازد. بند «د» مادهٔ ۱۹ قانون مزبور وزارت آموزش و پرورش را موظف به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت‌وآمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانهٔ آموزش به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، کرده است.

ارتقای شاخص توسعهٔ انسانی براساس آموزش از اهداف مادهٔ ۲۴ قانون برنامهٔ پنجم است که سند راهبردی ارتقای سطح شاخص توسعهٔ انسانی پس از تصویب هیأت وزیران در این

www.SID.ir

Archive of SID

خصوص قابلیت اجرایی دارد. در راستای تأمین عدالت آموزشی «قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی» در سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس رسیده است؛ که این قانون هر گونه سهمیه‌بندی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی (اعم از رشته‌های پزشکی و غیرپزشکی) در کلیهٔ دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی را به‌جز مواردی که در ذیل این ماده‌واحده آمده، ممنوع اعلام کرده است.

مطابق نظریهٔ فیلتر که از جمله تئوری‌های مطروحه در خصوص کارکرد و نقش آموزش است، افراد به‌سبب حضور طولانی در نظام آموزش فضایل و صفات فردی خود را بروز می‌دهند. بروز صفات شخصی موجب ایجاد بینش، نگرش و دانش در کسانی می‌شود که با فرد سروکار دارند و می‌خواهند مسئولیت‌هایی را به او واگذار کنند. آموزش از طریق برگزاری انواع آزمون‌ها و امتحانات موجب جدایی و تمییز سره از ناسره‌های انسانی می‌شود (معدن‌دارآرانی و سرکارآرانی، ۱۳۸۸: ۷۳). از نظریهٔ مذکور می‌توان به‌صورت گسترده‌ای به‌همراه تنظیم محتوای آموزش‌ها، در راستای ارتقای کارامدی و عدالت بهره جست.

با توجه به اینکه عدل، شاخص ماندگاری و پایداری نظام‌های مختلف است و کاربست آن معیار کارامدی دستگاه‌ها و اثربخشی فراورده‌های آنهاست؛ راهبرد توسعهٔ عدالت از دو منظر در نظام آموزش و پرورش مورد عنایت خواهد بود؛ منظر نخست، توسعهٔ مهارت‌های شناختی، عاطفی و روانی – حرکتی دانش‌آموزان و فراگیرندگان به‌گونه‌ای که دانش‌پژوهان آموزش و پرورش در هر پایه و دورهٔ تحصیلی که حضور دارند، ضمن آگاهی در خصوص معنا و مفهوم این اصل ارزشمند الهی، علاقه و تمایل ایشان به این مفهوم متعالی گسترش یافته و بدین طریق خلق‌وخوی عدالت‌طلبی در جامعهٔ دانش‌آموزی فراگیر گشته و خصلت سلطه‌پذیری و سلطه‌طلبی را زدوده کند. منظر دوم، دستیابی به عدالت در گسترهٔ مدیریت نظام آموزش و پرورش است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: جلسهٔ ۱۳۶).

می‌توان ادعا کرد که طبقاتی بودن نظام آموزش و پرورش امروز ایران که بر این اساس توان رقابت مدارس دولتی در قیاس با مدارس غیرانتفاعی ناچیز است و همین مسئله در سطح آموزش عالی نیز در اشکال دیگر ملاحظه می‌شود، از جمله تنگناهای پیش‌روی تحقق عدالت اقتصادی و کارامدی از دریچهٔ آموزش به‌شمار می‌رود.

۵. عدالت شغلی در پرتو کارامدی

مؤلفهٔ دیگر عدالت اجتماعی در قانون اساسی، عدالت شغلی است که این مؤلفه به این سبب که رابطهٔ میان کارگر و کارفرما رابطه‌ای نابرابر است، حمایت ایجابی دولت را از این قشر اقتضا می‌کند. نتایج حاصل از نارضایتی کارگران از سویی شاخص‌های عدالت اقتصادی و کارایی را با افت مواجه می‌سازد و از دیگر سو با ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی، کارامدی نظام را نیز دچار بحران می‌سازد.

www.SID.ir

Archive of SID

اغلب دولت‌ها به تعیین حداقل‌هایی به‌منظور دستیابی کارگران به حقوق خود می‌پردازند که این امر در مادهٔ ۸۱ قانون کار تأکید شده است. مفهوم کار شایسته دربردارندهٔ مضامینی مانند فرصت‌های برابر کار، کار مناسب و مولد، توسعهٔ انسانی و افزایش سطح رفاه است که می‌تواند پشتوانهٔ تأمین عدالت اقتصادی و کارامدی قرار گیرد. در سیاست‌های کلی اشتغال که در راستای اجرای اصل ۱۱۰ قانون از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده‌اند، ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی، استفاده از تولیدات داخلی، آموزش نیروی انسانی متخصص، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، استفاده از توسعهٔ فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان، ایجاد نظام جامع اطلاعات، بازار کار، بهبود محیط کسب‌وکار، حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، جذب فناوری، سرمایه و منابع مالی، پرداخت یارانه‌ها در حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد، تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقای بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید، برقراری حمایت‌های مؤثر از بیکاران، توجه به کاهش نرخ بیکاری، تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره‌وری و ... از جمله سیاست‌های لازم‌الرعایه عنوان شده‌اند که به ارتقای شاخص‌های عدالت اقتصادی و کارامدی خواهند انجامید. اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی و مواد ۴۸،۳۸و۶ قانون کار به تدوین اصول عدالت شغلی در حقوق ایران پرداخته‌اند که اهم موازین عدالت قابل برداشت از اصول و مواد مذکور به‌شرح ذیل است:

الف) آزادی انتخاب شغل برای همه؛ ب) برقراری تساوی و عدالت در احراز مشاغل؛ ج) تأمین امکانات و شرایط کار برای همه؛ د) جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛ ه) عدالت در تخصیص مزد.

مواد ۱۷ و ۱۲ قانون کار تضمین‌کنندهٔ امنیت شغلی کارگر محسوب می‌شوند که این تضمین خود به برقراری عدالت در سطح حداقلی و ارتقای کارامدی نظام منتهی می‌شود. به موجب مادهٔ ۴۱ قانون کار شورای عالی کار همه‌ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین کند: ۱. حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود؛ ۲. حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول‌شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود، تأمین کند.

همچنین اجرای طرح‌های بیمهٔ بیکاری برای کارگران که در تبصرهٔ مادهٔ ۳۰ قانون کار پیش‌بینی شده است، سیاستی مناسب به‌منظور ارتقای عدالت و رفع بحران کارامدی ناشی از وضعیت بیکاری یا فقر قشر کارگر جامعه محسوب می‌شود.

در این زمینه اصل ۳ قانون اساسی در بند ۱۲ برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینهٔ کار را از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران تلقی کرده است.

در تنظیم سیاست‌های اشتغال و سایر سیاست‌های اقتصادی جامعه در مرحلهٔ تضاد بین

www.SID.ir

Archive of SID

حداقل‌های حقوق کارگر با مراعات وضعیت کارفرما باید توجه داشت که نابرابری اگر در سطح بالایی قرار گیرد، خود می‌تواند موجب کاهش کارایی و بهره‌وری شود، چراکه امروزه بیشتر از پیش، اقتصاددانان استدلال می‌کنند که نابرابری ممکن است تأثیرات محرکهٔ منفی داشته باشد. نابرابری بالا، ممکن است به سطوح پایین تلاش کاری منجر شود (zweimuller, 2000: 92). همچنین درصورتی‌که کارگر از حداقل‌های حقوق خود محروم شود، می‌تواند ناآرامی‌های اجتماعی را نیز در پی داشته باشد و به بحران کارامدی منتهی شود.

از دیگر سو حتی در صورت ایجاد زمینهٔ اقامهٔ دعوا تقلیل دادن نرخ دادخواهی‌ها از طریق سیاست‌های مناسب وسیلهٔ افزایش کارامدی عدالت مدنی تلقی می‌شود (OECD,2013:1).

۶. تأمین اجتماعی در پرتو کارامدی

مؤلفهٔ دیگر عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأمین اجتماعی است که در اصل ۲۹ قانون اساسی تصریح شده است. در سال ۱۹۹۴در اجلاس سازمان بین‌المللی کار در فیلادلفیا، توجه به امور تأمین اجتماعی چنین مورد توجه قرار گرفت: «عدالت اجتماعی شرط لازم برای یک صلح پایدار پس از جنگ شناخته می‌شود و جهت عدالت اجتماعی راهی جز بسط تأمین اجتماعی نیست» (همایون‌پور، ۱۳۸۶: ۱۶). ازاین‌رو تأمین اجتماعی در عین برآوردن هدف اولیهٔ عدالت اجتماعی، زمینه‌های لازم برای صلح پایدار را که موجب کارامد شدن نظام و از نتایج آن است نیز فراهم می‌سازد.

نظریه‌های تأمین اجتماعی را می‌توان به دو دسته نظریه‌های سیاسی و نظریه‌های کارایی طبقه‌بندی کرد. اولین گروه، تأمین اجتماعی را به‌عنوان توزیع مجددی در نظر می‌گیرد که در نتیجهٔ کشمکش‌های سیاسی ایجاد می‌شود؛ اما نظریه‌های کارایی، به شکست مکانیسم بازار توجه دارند (عباسیان و نسرین‌دوست، ۱۳۹۱: ۳۶۴).

قانون برنامهٔ چهارم توسعه در بند «الف» مادهٔ ۹۵ خود دولت را مکلف به گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، در ابعاد جامعیت، فراگیری و اثربخشی کرده است. بند «الف» مادهٔ ۹۶ این قانون نیز دولت را مکلف به افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به روستاییان و عشایر و شاغلان شهری که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند، به‌نحوی که برنامهٔ بیمه‌های اجتماعی روستاییان و عشایر با مشارکت دولت و روستاییان و عشایر پس از تهیه و تصویب دولت از سال دوم برنامهٔ چهارم به‌اجرا گذاشته شود، کرده است. همچنین قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ در بند «د» مادهٔ ۳ بر تشکیل صندوق‌های بیمهٔ مورد نیاز مانند بیمهٔ روستاییان و عشایر تصریح کرده است. همچنین در تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۳ دولت مکلف شده ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون، امکان زیرپوشش قرار گرفتن اقشار مختلف جامعه از جمله روستاییان و عشایر و ... را فراهم سازد.

www.SID.ir

Archive of SID

در نهایت آیین‌نامهٔ بیمهٔ اجتماعی روستاییان و عشایر مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران بوده است که در راستای تحقق قوانین و مقررات مذکور صندوق بیمهٔ اجتماعی روستاییان و عشایر را برای اجرای طرح بیمه در بین روستاییان و عشایر تأسیس کرده است که گامی مناسب برای برقراری عدالت اقتصادی محسوب می‌شود.

مادهٔ ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ حوادث و بیماری‌ها، بارداری، دستمزد، ازکارافتادگی، بازنشستگی، مرگ و مقرری بیمهٔ بیکاری را که شامل دامنهٔ وسیعی از حمایت‌ها می‌شوند، مشمول تأمین اجتماعی می‌داند.

بیکاری، حوادث گوناگون که امکان از دست رفتن وضعیت شغلی افراد را به‌همراه دارد، تغییر وضعیت اقتصادی جامعه مانند خصوصی‌سازی و ...، بروز حوادث غیرمترقبه و سایر رویدادهایی که امکان سقوط وضعیت رفاهی افراد را درپی دارند، می‌توانند از طریق نظام تأمین اجتماعی تحت پوشش قرار گیرند. این امر تأمین رفاه حداقلی در سطح جامعه، تضمین امنیت روانی و اقتصادی-اجتماعی برای شهروندان، برقراری عدالت، ارتقای وضعیت سلامت افراد، ارتقای بهره‌وری و رشد و توسعهٔ اقتصادی و در نهایت تحقق و افزایش شاخص کارامدی نظام را به‌همراه خواهد داشت. برای دستیابی به این مهم ضرورت دارد امکان برخورداری از تأمین اجتماعی بدون تبعیض در اختیار تمام افراد جامعه قرار گیرد و توانایی مالی و استطاعت افراد نیز در پرداخت حق بیمه‌ها مدنظر قرار گیرد.

بحثی که در دنیا مطرح شده این است که می‌گویند باید شورای سیاستگذاری وجود داشته باشد تا مقولهٔ تأمین اجتماعی را با مسکن، بهداشت، درمان، امنیت و امور اقتصادی هماهنگ کند. باید دستگاه متولی باشد که هماهنگ‌کننده، برنامه‌ریز و سیاستگذار باشد. کشور این دستگاه را ندارد. از مهم‌ترین حلقه‌هایی که موجبات غیرکارامدی این منابع را باعث شده این است که این حلقه وجود ندارد (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲: جلسهٔ ۳۲۰).

نتیجه‌گیری

بنابر نتایج علمی حاصل از پژوهش حاضر عدالت اقتصادی و کارامدی نظام در مبانی نظری قانون اساسی در یک راستا و هماهنگ با یکدیگر لحاظ شده‌اند. به موجب این مبانی قسط و عدل اجتماعی به‌عنوان مبنایی در کنار سایر مبانی نظام همراستا با اهدافی مانند امنیت، کارایی، رشد، توسعه و... برای نظم نظام‌های گوناگون در نظر گرفته شده است. مسئلهٔ حاضر ناشی از رویکرد اسلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، ازاین‌رو عدالت اقتصادی مؤلفه‌ای قابل اغماض و حذف در شرایط جاری و معمول اجرایی نیست. این مبنا می‌تواند با توجه به نتایج کارکردی خود، اغلب از طریق نظریات گوناگون کارامدی مانند توفیق، رضایت و

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت‌جویی توصیف و ملاحظه شود. توصیف براساس نظریات مذکور بیشتر به‌منظور انطباق نتایج حاصله بر طبقه‌بندی علمی نظریات حوزهٔ کارامدی مطرح شده است.

همچنین عدالت اقتصادی با توجه به مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مانند سند قانون اساسی و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در هماهنگی و همگامی با عناصر مقوم کارامدی اقتصادی از جمله کارایی قرار می‌گیرد؛ مضافاً اینکه هر دو مؤلفهٔ مذکور یعنی عدالت اقتصادی و کارایی تضمین‌کنندهٔ پایداری و کارامدی یک نظام سیاسی محسوب می‌شوند. البته به لحاظ مطالعات علمی و آکادمیک اقتصادی ذیل قوانین عادی مانند قوانین مالیاتی تضاد مؤلفه‌های عدالت اقتصادی و کارایی در برخی بسترهای اجرایی امکان‌پذیر است. نظر به هماهنگی مؤلفه‌های عدالت اقتصادی و کارایی با کارامدی نظام در سطح اسناد فرادستی، ضرورت دارد در سطوح پایین‌تر قانونگذاری و اجرایی تعادل بین دو مؤلفهٔ عدالت اقتصادی و کارایی به‌خصوص در نقاط تضاد و رقابت دو مؤلفه برقرار شود. همچنین در مرحلهٔ نظریه‌پردازی‌های موجد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تقدم و تأخری نسبت به اجرای مؤلفه‌های عدالت و کارامدی اقتصادی ملاحظه نمی‌شود. با وجود این تأکید زیادی بر اجرای عدالت با توجه به اسلامی بودن محتوای قانون اساسی و سایر اسناد مربوطه صورت گرفته است. از دیگر سو به لحاظ انحرافات کارکردی در مرحلهٔ اجرای قانون اساسی و قوانین مرتبط در سیستم اجرایی مانند طبقاتی بودن نظام آموزش و پرورش، نبود دستگاه متولی فعال در خصوص حمایت‌های تأمین اجتماعی و ... نظام در تحقق اصل عدالت دچار آسیب‌هایی است. بنابراین دستگاه اجرایی کشور در تضمین و تأمین نتایج حاصل از اجرای مؤلفهٔ عدالت اقتصادی مانند ارتقای کارامدی نظام از رهگذر مؤلفهٔ مذکور، به‌سبب آسیب‌های مورد اشاره با چالش‌های اجرایی بسیاری مواجه است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۸۳). *درآمدی بر کارامدی در نظام سیاسی اسلام*، چ اول، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشهٔ معاصر.

۲. بالازاده، محمدحسین (۱۳۸۷). *اقتصاد آموزش و پرورش*، چ دوم، تهران: طراوت.

۳. پژویان، جمشید (۱۳۹۱). *اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)*. چ هشتم، تهران: جنگل

۴. پورمقیم، سید جواد (۱۳۹۱). *اقتصاد بخش عمومی*، چ دوازدهم، تهران: نشر نی.

۵. جعفری‌صمیمی، احمد (۱۳۸۷). *اقتصاد بخش عمومی(۱)*، چ نهم، تهران: سمت.

www.SID.ir

Archive of SID

۶. حاتمی، محمدرضا؛ رحمانی، جبار (۱۳۹۱). *عدالت در اسلام*، ج ۱۱، چ اول، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. دادگر، یدالله؛ رحمانی، تیمور (۱۳۹۱). *مبانی و اصول علم اقتصاد*، چ سیزدهم، قم: بوستان کتاب قم.
۸. رنانی، محسن (۱۳۸۹). *بازار یا نابازار*، چ سوم، تهران: مؤسسهٔ عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۹. زارع، محمدمهدی؛ گنجی، محسن (۱۳۸۸). *اصل ۴۴؛ انقلاب اقتصادی*، چ اول، تهران: امیرکبیر.
۱۰. سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۶). *دولت و تورم*، چ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.
۱۱. *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)*. چ اول، تهران: ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۱۲. عیوضلو، حسین (۱۳۸۴). *عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام*، چ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. کابلی‌زاده، احمد (۱۳۸۴). *خصوصی‌سازی مردمی کارایی همراه با عدالت*، چ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. معدن‌دارآرانی، عباس؛ سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *آموزش و توسعه*، چ اول، تهران: نشر نی.
۱۵. *معرفی طرح توزیع سهام عدالت* (۱۳۸۵). چ اول، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان خصوصی‌سازی.
۱۶. منکیو، گریگوری (۱۳۸۸). *نظریهٔ اقتصاد خرد*، ترجمهٔ دکتر حمیدرضا ارباب، چ دوم، تهران: نشر نی.
۱۷. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۵). *مالیهٔ عمومی*، چ اول، تهران: میزان.
۱۸. نظام‌شهیدی، مهراندخت؛ علیزاده‌اقدم، رسول (۱۳۷۸)، *اصول مدیریت تعاونی‌ها*، چ اول، تهران: لادن
۱۹. نمازی، حسین (۱۳۹۰). *نظام‌های اقتصادی*، چ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. ورنون، مارک (۱۳۸۸). *مفاهیم کلیدی کسب‌وکار*، ترجمهٔ سید علی کوشازاده و حسین اصلی‌پور، چ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)
۲۱. همایون‌پور، هرمز (۱۳۸۶). *تأمین اجتماعی در ایران و جهان*، چ اول، تهران: مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

www.SID.ir

Archive of SID

ب) مقالات

۲۲. اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۸۴). «جمهوری اسلامی ایران و چالش کارامدی»، *فصلنامهٔ تخصصی مطالعات انقلاب*، ش ۱، ص ۴۸-۱۳.

۲۳. حقیقی، ایمان، «تحلیلی بر طرح واگذاری سهام عدالت (۱)»، *راهبرد*، سال دوم، ش ۶، ص ۱۸۶-۱۴۹.

۲۴. رضوانی، محسن (۱۳۸۴). «کارامدی حکومت اسلامی در اندیشهٔ سیاسی امام‌خمینی (قدس)»، *فصلنامهٔ تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۱، ص ۲۱۶-۱۸۳.

۲۵. نادران، الیاس؛ امیری، هادی (۱۳۸۷). «تأملی بر نحوهٔ تحلیل نهادی در مالیات‌ستانی»، *دوفصلنامهٔ علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی*، سال پنجم، ش ۹، ص ۱۹۸-۱۵۹.

۲۶. فرج‌الله قاسمی (۱۳۸۹). «کارامدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام‌خمینی»، *فصلنامهٔ مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۲۲، ص ۱۸۲-۱۵۷.

ج) منابع اینترنتی

۲۷. http://www.farsnews.com

۲۸. صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی http:// ical .ir

۲. انگلیسی

29. A.Michelbach, Philip (2011). "filthy lucre? the false dichotomy of justice and efficiency", *international journal of humanities and social science*, vol.1, No.10, 25-35

30. Bagheri, Mahmood (2014). "conflict of laws, economic regulation and corrective/distributive justice",*journal of international law*,vol.28, pp 113-151

31. Dion,Michel (2007). " IBN Khaldun's concept of history and Quranic notions of economic justice and temporatlity timing in Islamic philosophy and phenomenology of life", *springer* , pp 323-340

32. E.williams,Walter (1996)."the argument for free markets: morality vs. efficiency", *cato journal*, vol.15, pp 179-189

33. F.Reber, Michael (2010). "distributive justice and free market economics: a eudaimonistic perspective", *libertarian papers*, vol.2, No.29, pp 1-11

34. Gorga,Carmine (2009). "concordian economics: tools to return relevance to economics", *for soc econ*, 38,53-69

35. Hodgespersell,Caroline (1997). " the interdependence of social justice and civil society", *sociological forum*, vol 12, No 2 , pp 149-169

36. Konow, James(2001)."fair and square: the four sides of distributive justice",

www.SID.ir

Archive of SID

journal of economic behavior & organization,vol.46, pp 137-164
37. Kuran, Timur(1989)."on the notion of economic justice in contemporary Islamic thought", *international journal of middle east studies*, vol.21, No.2, pp 171-191
38. Lorizio,Marilene&Rosa Gurrieri,Antonia(2014)"efficiency of justice and economic systems", *procedia economics and finance*, 17,104-112
39. Mawdsley,Ema (2007). " the millennium challenge account: neo- liberalism, poverty and security", *review of international political economy*, 14, 487-506
40. M.A.clark, Charles (2006)."economic justice and welfare reform: was welfare reform an example of prudential judgment in the public policy", *university of St.Thomas law journal*, vol.4, pp1-23.
41. Overehansson,Seven (2004)." welfare justice and pareto efficiency", *ethical theory and moral practice*, 7,361-380.
42. OECD (2013)."what makes civil justice effective?",*OECD economics department policy notes*,No.18, 1-12.
43. zweimuller,Jozef (2000)." inequality redistribution, and economic growth", *empirica*, 27,1-20.

www.SID.ir